



راهکار پیشنهادی تحقق چهارمین هدف عملیاتی سند تحول بنیادین آپ

رضا کیان پور^۱، محسن محمدی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی بوشهر

Rezakianpoor99@gmail.com

۰۹۳۰۸۸۴۱۴۳۱

۲- دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی بوشهر

mohammadi.mohsen2001@gmail.com

۰۹۳۸۹۸۸۷۳۴۹

چکیده

آموزش و پرورش یکی از مهمترین ساختارهای یک جامعه و کشور می باشد که میتواند شالوده و اساس یک جامعه را شکل دهد. برای داشتن یک سیستم آموزشی کارآمد و متناسب با یک جامعه باید اسناد بالادستی قدرتمندی تهیه و نگارش شوند تا اهداف این سیستم آموزشی و پرورشی را تعیین کنند و در نهایت برای این اهداف از پیش تعیین شده راهکار و ایده عملیاتی ارائه شود تا بتوان به آن اهداف رسید. سیستم آموزشی ما هم از این قاعده مستثنی نیست و دارای سند بالادستی تحول بنیادین آموزش و پرورش می باشد مقاله حاضر به روش مروری و کتابخانه ای و همراه با ایده جدید نویسندگان نگارش شده است که در آن برای چهارمین هدف عملیاتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یعنی «تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش سطح توانایی ها و مهارت های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضات جامعه اسلامی» یک ایده جدید و تحولی برای مدارس به جهت رسیدن به این هدف سند تحول بنیادین ارائه شده است. مطابق این ایده در اولین گام کاری که باید صورت بگیرد در بعضی دبستان ها به معلمین هر پایه یک سری سرفصل های بخصوص و مجزا آموزش داده شود تا این معلمان بتوانند این محتوای مهم را به خانواده ها آموزش دهند و آگاهی خانواده ها را در مورد این موضوعات مهم تربیتی ارتقا دهند. جزئیات دقیق این ایده را در ادامه مقاله میخوانید.

واژگان کلیدی: آموزش معلمان، آگاهی، سند تحول بنیادین، ایده، آموزش والدین



مقدمه

نظام آموزش و پرورش هر جامعه یکی از اساسی ترین و ارزشمند ترین ساختار های آن جامعه می باشد که می تواند نمایانگر آینده آن جامعه باشد و بر تک تک افراد جامعه تاثیر گذار و موثر باشد. بنابراین با توجه به اهمیت این مسئله و نقش اساسی آن در شکل دهی به آینده یک جامعه و کشور منطقی است که توجه ویژه ای به این ساختار شود تا بتوان از این ساختار نهایت استفاده و بهره وری را کسب کرد.

برای رسیدن به تحقق اهداف عالی آموزش و پرورش، در وهله اول، نیازمند ترسیم نقشه راهی هستیم که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات مسیر به صورت دقیق و شفاف مشخص شده باشد (کیخا، ۱۳۹۶) در پرتو همین هدف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای حل مشکلات نظام آموزش و پرورش کشور در ۵ مهرماه سال ۱۳۹۰ تصویب شد. (هاشمیان، ۱۴۰۰) این سند با اهدافی از قبیل حل مشکلات و مسائل نظام آموزشی کشور توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی که از آن می توان به عنوان عالی ترین مرجع سیاست گذاری فرهنگی کشور نام برد به تصویب رسید و برای اجرایی شدن به آموزش و پرورش ابلاغ شد (آزاد، ۱۳۹۲) این سند نمایانگر اهداف و ارزش های نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بر اساس آموزه های وحیانی دین اسلام است که مجریان این سند و ایده پردازان باید بر اساس این سند جامعه را به وسیله آموزش و پرورش به سمت یک جامعه توحیدی و متناسب با سبک زندگی ایرانی- اسلامی سوق دهند.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از بخش های مختلف و متفاوتی تشکیل شده است که بن مایه اصلی آن فصل هفتم یعنی هدف های عملیاتی و راهکارهای آن می باشد (سند تحول بنیادین آپ، ۱۳۹۰) در این قسمت خواسته ها و اهداف سند از مجریان آموزش و پرورش آمده است که از ۲۳ عنوان و مورد تشکیل شده است.

قصد این مقاله صرفا بررسی هدف چهارم یعنی «تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش سطح توانایی ها و مهارت های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضائات جامعه اسلامی» و بیان یک ایده عملیاتی برای رسیدن به این هدف غایی و تعیین شده می باشد.

یکی از مهمترین موانع تربیت صحیح کودکان نا آگاهی والدین از شیوه های تربیتی صحیح یا عدم آشنایی با تکنولوژی های روز دنیا مانند رسانه هاست که این عدم آگاهی باعث شده است کودکان قبل از ورود به مدارس و یا حین تحصیل در مدارس آسیب ببینند و از لحاظ تربیتی دچار مشکلات عدیده ای شوند که معلمان هر چقدر هم تلاش کنند چون تربیت و نظارت خانوادگی مشکل دارد نمیتوانند به اهداف صحیح تربیتی دست پیدا کنند. به هر حال نا آگاهی والدین از روش های تربیت صحیح علاوه بر اینکه در مسائل دینی کودکان ایجاد مشکل می کند سلامت روحی و روانی کودکان و دانش آموزان را هم با مشکل مواجهه می کند (عباسی ولدی، ۱۴۰۱) به همین خاطر در سند تحول بنیادین، آموزش خانواده ها به صورت ویژه مورد نظر قرار گرفته است تا بجای اینکه اصلاح تربیتی از مدرسه شروع شود این امر به خانه و خانواده منتقل شود زیرا مدرسه و



خانواده دو بال اساسی تربیت کودکان هستند و قطعاً بدون وجود آگاهی کافی در یکی از دو مولفه خانواده یا مدرسه جریان تربیتی کودک با مسائلی روبه رو خواهد شد.

طرح کلی ایده:

کلیات این ایده و طرح این است که هر کدام از معلمان مدارس ابتدایی با یک سر فصل و یک موضوع تربیتی یا موانع تربیتی (موضوعاتی مثل: تربیت جنسی، تربیت دینی، روابط صحیح والد با کودک، روابط صحیح والدین با هم و ...) آشنا شوند تا هر کدام از آنان بتوانند به عنوان یک مدرس در آن حوزه به والدین دانش آموزان مشاوره دهند تا با آگاه کردن والدین روند غلط تربیتی آنان را در همان مقطع ابتدایی اصلاح کنند تا دانش آموزان هنگام ورود به مقاطع بالاتر تحصیلی دچار مشکلات کمتری شوند.

شاید این سوال ذهن شما را به خود درگیر کند که چرا باید روی معلمان سرمایه گذاری کنیم در صورتی که مشاوران مدرسه همین کار را به نحو بهتر میتوانند انجام دهند! دلیل ما برای انتخاب کردن قشر معلمان این است که:

- معلمان مستقیماً با دانش آموز و والدین ارتباط دارند و مدت این ارتباط نیز خیلی بیشتر از مشاورین است و به همین دلیل میتوانند تاثیر گذاری بیشتری روی والد و دانش آموز داشته باشند.
- مشاورین به صورت تخصصی میتوانند مشاوره دهند اما ایده ما میگوید که به معلمان آموزش دهیم (در حد مشاوره عمومی) تا آنان بتوانند با افزایش آگاهی والدین از بروز مشکلات پیشگیری کنند تا والدین کمتر نیاز به مشاوره تخصصی (مشاورین مدرسه) پیدا کنند.
- در حال حاضر هر مدرسه مشاور به خصوص خود را ندارد و برای اینکه هر مدرسه دارای یک مشاور شود هزینه و نیروی انسانی زیادی نیاز داریم اما با انجام این طرح یعنی آموزش دادن به معلمان میتوانیم به صورت فوری و با صرف هزینه هایی به مراتب کمتر نیاز مدارس را به مشاور و افراد دارای آگاهی تربیتی بر طرف کنیم تا در آینده به مرور مشاورین تخصصی بیشتر جذب و در مدارس شروع به فعالیت کنند.

سر فصل هایی که باید به معلمان آموزش داد:

تعیین کامل و دقیق این سر فصل ها را میتوان بر عهده مشاوران تخصصی و صاحب نظران این حوزه گذاشت اما به هر حال این موضوعات و سر فصل ها را هم می شود مورد توجه قرار داد و آنان را به معلمان آموزش داد:

- تربیت جنسی: یکی از مهمترین موضوعاتی که والدین امروزی در فرایند تربیت به آن توجه خاصی ندارند مباحث جنسی و تربیت جنسی است. بدلیل حضور گسترده و آزاد رسانه در عموم خانواده ها بیداری جنسی در دانش آموزان و به واسطه آن بلوغ جنسی سریعتر رخ میدهد و بی اطلاعی والدین و یا گاهی همراهی والدین با این موضوع میتواند آسیب های جبران ناپذیری بر کودکان دبستانی وارد کند و سلامت روان آنان را دچار مشکلات عدیده ای



کند به همین دلیل باید به والدین آموزش هایی داده شود تا بتوانند تا حد ممکن بیداری جنسی را به تعویق بیاورند تا فرزندشان بتواند سلامت روان بهتری داشته باشد.

- مدیریت رسانه: همان طور که گفتیم یکی از علل بیداری جنسی در کودکان آزادی بی حد و حصر رسانه در خانواده ها می باشد و این هم بدلیل عدم آگاهی والدین از معایب این موضوع است و باید معلمان این موارد را هم به خانواده ها و حد و حصر استفاده از رسانه را به آنان آموزش دهند البته این نکته حائز اهمیت است که مدیریت رسانه نه به معنای محدود کردن رسانه ها بلکه به معنای استفاده صحیح از رسانه هاست زیرا در عصری از تکنولوژی و فناوری هستیم که رسانه ها با زندگی ما آمیخته شده و ما باید راهی را برای استفاده صحیح از این امکانات برای فرزندانمان به وجود آوریم.

- سواد رسانه ای: شاید در مرتبه اول این موضوع مستقیماً به دانش آموز دبستانی مرتبط نشود اما یکی از مشکلات اساسی دانش آموزان در مقاطع بالاتر تحصیلی عدم آگاهی از سواد رسانه ای است و هر اطلاعات بی پایه و اساس فضای مجازی را باور میکنند به همین دلیل در مقطع دوم متوسطه کتاب سواد رسانه ای برای آنان تدریس میشود اما باید این نکته را توجه داشته باشیم که نا آگاهی والدین از سواد رسانه ای باعث بروز این مشکلات در فرزندانشان میشود چون در خانواده اطلاعات رسانه بی قید و شرط پذیرفته میشود و کودکان نیز یاد میگیرند که این اخبار را بی قید و شرط بپذیرند به همین دلیل با آگاهی دادن به والدین می توان از بروز این مشکل در کودکان جلوگیری کرد.

- تربیت دینی: ما در جامعه مشاهده میکنیم که بعد از گذشت ۱۲ سال از آموزش عمومی در مدارس باز هم در بین دانش آموزان اسلام و احکام اسلامی به خوبی پذیرفته نمی شود شاید یکی از دلایل آن عدم همراهی مدارس با والدین باشد. چون والدین تمام مباحث تربیت دینی را بر عهده مدارس می گذارند و خودشان در تربیت فرزندانشان توجه خاصی به این موضوع ندارند شاید برای چند نسل گذشته به دلیل نا آگاهی عمومی و دسترسی کم به فضای رسانه ها و شبکه های اجتماعی این روند مشکل خاصی به وجود نمی آورد اما با گذشت زمان و پیشرفت فناوری اینک تاثیر گذاری اخبار و اطلاعات، شبکه های اجتماعی و فضای مجازی بر زندگی افراد کاملاً واضح است و این عدم قبول مسئولیت از جانب والدین باعث بروز این مشکلات در سطح جامعه شده است به همین دلیل باید وظایف والدین را در تربیت دینی کودکانشان به آنان آموزش دهیم تا از انحراف دانش آموزان جلوگیری کنیم.

- روابط صحیح والدین با فرزندان: والدین عموماً بدون هیچ آموزشی در حوزه تربیت کودک در حال تربیت کودکان هستند! و این میتواند صدمه های جبران ناپذیری را به کودکان وارد کند به همین دلیل باید روش ها و نکات صحیح تربیتی به والدین آموزش داده شود تا بتوانند فرزندانی متعادل تربیت کنند.

- روابط صحیح والدین با همدیگر: همه ما این نکته را میدانیم که آرامش روان کودک در خانواده در گرو آرامش پدر و مادر است. متأسفانه زنان و مردان بدون آگاهی از نکات زناشویی وارد زندگی و تربیت کودک میشوند و این عدم آگاهی از این نکات باعث بروز تشویش در خانواده میشود که سلامت روان کودکان را تخریب میکند.

متخصصان این حوزه نیز میتوانند سرفصل های دیگری را به این موارد اضافه کنند تا بتوانیم سرفصل های کاملی را ارائه

دهیم.



روش اجرا:

مهمترین نکته در اجرای این طرح استفاده از معلمانی است که کمتر از ۱۰ سال سابقه تدریس داشته باشند. به این دلیل که معلمان باید انگیزه و انرژی کافی برای یادگیری این مطالب و ارائه آن به والدین را داشته باشند از طرفی دیگر معلمان با سابقه کم تدریس ارتباط نزدیکتری با کودکان این نسل دارند و بهتر می‌توانند موضوعات را یادگرفته و آنها را آموزش دهند.

پس از مشخص شدن سر فصل های مورد نظر در مدارس هر شهر معلمان با سابقه کمتر از ۱۰ سال شناسایی و با نظرخواهی از آنان و علاقه شان به جهت عضویت در این طرح به هر کدام از آنان یک سرفصل داده می‌شود.

در تابستان ها که معلمان وقت فراغت بیشتری دارند در مرکز استان در کلاس های آموزشی که اداره کل استان ترتیب آن را داده است شرکت کنند و در آن جا مطالب و محتوا و روش ارائه را به آنان آموزش دهند تا بتوانند در حین سال تحصیلی این محتوا را ارائه دهند. و این روند هر تابستان ادامه پیدا کند تا سال به سال به اندوخته های آنان افزوده شود و بتوانند محتوای بهتر و پویاتری را ارائه دهند. (برای ایجاد انگیزه و همچنین تشویق این معلمان میتوان از دادن امتیاز ویژه به آنان در نظام رتبه بندی استفاده کرد)



*یکی از چالش های این طرح این است که در مدارس همه معلمان کمتر از ۱۰ سال سابقه تدریس نیستند و به عده بیشتر از ۱۰ سال سابقه دارند و نمیتوانند در این طرح شرکت کنند اما این موضوع اشکالی ندارد و هر مدرسه به تعداد معلمان دارای این شرایط در این طرح شرکت میکند مثلا مدرسه ای از ۱۲ معلمی که دارد ۵ عدد از آنان در این طرح شرکت و ۵



سرفصل مختلف برای ارائه را یاد می‌گیرند و این تعداد می‌توانند به والدین آن مدرسه آموزش‌های خوب و مفیدی را ارائه دهند و همین هم خوب است.

خلاصه ایده:

ما برای اینکه بتوانیم خانواده‌ها را آگاه به مسائل و عوامل مهم تربیتی کنیم باید آنان را آموزش دهیم تا همسو با معلمان در روند تربیتی کودکانشان حرکت کنند. در ابتدا باید معلمان انتخاب شده در دوره‌های حضوری تابستان شرکت کنند و با سرفصل‌ها آشنا شوند و اطلاعات لازم را دریافت کنند. سپس در طول مدرسه این اطلاعات و محتواها را در قالب دوره‌ها یا جلسه‌های مختلف به والدین منتقل کنند تا با آگاهی والدین از بروز بسیاری از مشکلات در دانش‌آموزان جلوگیری شود. با این روند در هر مدرسه حداقل چندین معلم با اطلاعات مفیدی درباره این مسائل رشد خواهند کرد که این امر می‌تواند باعث افزایش سطح آگاهی والدین آن مدرسه شود و در نتیجه افزایش این آگاهی‌ها مشکلات خانواده‌ها و دانش‌آموزان هم تا حد زیادی پیشگیری و یا درمان می‌شود.

منابع و مراجع:

۱. هاشمیان، سید محمدحسین، (۱۴۰۰)، بازنمایی تغییرات اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۲. عباسی ولدی، محسن، (۱۴۰۱)، مشکلات پیش روی تربیت در دنیای امروزی، قم: آیین فطرت
۳. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (۱۳۹۰)
۴. آزاد، سمانه، (۱۳۹۱)، موانعی که سر راه تحول سبز شده اند: مشکلات اجرای سند تحول بنیادین از زبان مدیران
۵. کیخا، احمد، (۱۳۹۶)، رویکرد انتقادی به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۶. نوید ادهم، مهدی، (۱۳۹۱)، الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش